



Criminological Foundations of the Expansion of Compoundable Offenses and Its Effects in Iranian Criminal Law

Seyed Mostafa Motllebi Mahmoudabadi¹, Ali Mazidi Sharafabadi²,
Amir Mohammad Sedighian³

Abstract

Field and Aims: In contemporary criminal policy, the expansion of pardonable (complaint-based) crimes has attracted attention as a manifestation of the shift from a punishment-oriented approach toward humanistic, social, and restorative approaches. The objective of this study is to examine the criminological foundations of the expansion of pardonable crimes in Iranian criminal law and to analyze the legal consequences arising from this development in both the substantive and procedural domains of criminal law.

Method: This research was conducted using a descriptive-analytical approach and relied on library sources, legislative documents, and the analysis of criminal law institutions.

Findings and Conclusions: The findings indicate that the expansion of pardonable crimes is influenced by contemporary criminological approaches and has led to a reduction in the negative effects of criminal labeling, the strengthening of mechanisms of reconciliation and restoration, and greater attention to the human dignity of offenders. In the field of substantive criminal law, consequences such as the possibility of mitigation and conversion of punishment, changes in the rules governing complicity and attempt, pardon based on the offender's age conditions, and the increased role of the complainant in determining the type and extent of punishment can be observed. In the field of procedural criminal law, changes in the jurisdiction of adjudicating authorities, transformations in the rules of limitation periods, and the reinforcement of the active participation of the victim in the judicial process are among the most significant effects of this development. Overall, the expansion of pardonable crimes reflects the evolution of Iran's criminal policy toward greater flexibility and simultaneous attention to the rights of both the victim and the offender.

Keyword: Pardonable crimes, criminology of social reaction, restorative justice, peace-oriented criminology, victim, mitigation of punishment.

* Citation (APA): Motllebi Mahmoudabadi, S.M., Mazidi Sharafabadi, A., Sedighian, A.M. (2025). Criminological Foundations of the Expansion of Compoundable Offenses and Its Effects in Iranian Criminal Law. *Applied criminology research*, 3(10), 131-154. https://www.qacr.ir/article_732991.html?lang=en

1. Department of Criminal Law and Criminology, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran. Email: Sayyedmostafa.motalleby@iau.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding Author). Email: alimazidi@iau.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Law, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran. Email: a.sedighian@iau.ac.ir



مبانی جرم‌شناختی توسعه جرایم قابل گذشت و آثار آن در حقوق کیفری ایران

سید مصطفی مطلبی محمودآبادی^۱، علی مزیدی شرف‌آبادی^۲، امیرمحمد صدیقیان^۳

چکیده

زمینه و هدف: در سیاست کیفری معاصر، توسعه جرایم قابل گذشت به عنوان یکی از جلوه‌های گذار از رویکرد تنبیه‌محور به رویکردهای انسانی، اجتماعی و ترمیمی مورد توجه قرار گرفته است. هدف این پژوهش، بررسی مبانی جرم‌شناختی توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری ایران و تحلیل آثار حقوقی ناشی از این توسعه در حوزه‌های ماهوی و شکلی حقوق کیفری است.

روش: این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد تقنینی و تحلیل نهادهای حقوق کیفری انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد توسعه جرایم قابل گذشت متأثر از رویکردهای جرم‌شناختی معاصر بوده و به کاهش آثار منفی برجسب‌زنی کیفری، تقویت سازوکارهای صلح و ترمیم و توجه بیشتر به کرامت انسانی محکومان انجامیده است. در حوزه حقوق کیفری ماهوی، پیامدهایی همچون امکان تصیف و تبدیل مجازات، تغییر در احکام معاونت و شروع به جرم، گذشت مبتنی بر شرایط سنی بزهکار و افزایش نقش شاکی در تعیین نوع و میزان مجازات مشاهده می‌شود. در حوزه حقوق کیفری شکلی نیز تغییر در صلاحیت مراجع رسیدگی، دگرگونی قواعد مرور زمان و تقویت مشارکت فعال بزه‌دیده در فرایند دادرسی از مهم‌ترین آثار این توسعه به‌شمار می‌رود. در مجموع، توسعه جرایم قابل گذشت بازتابی از تحول سیاست کیفری ایران به سوی انعطاف‌پذیری بیشتر و توجه هم‌زمان به حقوق بزه‌دیده و بزهکار است.

کلیدواژه‌ها: جرایم قابل گذشت، جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، عدالت ترمیمی، جرم‌شناسی صلح‌طلب، بزه‌دیده، تصیف مجازات.

*استناددهی (APA): مطلبی محمودآبادی، سید مصطفی، مزیدی شرف‌آبادی، علی، و صدیقیان، امیرمحمد. (۱۴۰۴). مبانی جرم‌شناختی توسعه جرایم قابل گذشت و آثار آن در حقوق کیفری ایران. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۱۰)، ۱۳۱-۱۵۴.

https://www.qacr.ir/article_732991.html

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران..

رایانامه: Sayyedmostafa.motalleby@iau.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: alimazidi@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. رایانامه: a.sediqian@iau.ac.ir

در نظام حقوقی ایران، جرایم از لحاظ قابلیت گذشت به دو دسته‌ی جرایم قابل گذشت و جرایم غیرقابل گذشت تقسیم می‌شوند. تفکیک این دو نوع جرم، دارای آثار حقوقی متفاوتی دارد. جرایم قابل گذشت، جرایمی هستند که تعقیب و مجازات آنها وابسته به اراده‌ی شاکی خصوصی است و در صورت گذشت شاکی، تعقیب یا اجرای مجازات متوقف می‌شود. در مقابل، جرایم غیرقابل گذشت جرایمی هستند که تعقیب و مجازات آنها بر اساس مصالح عمومی صورت می‌گیرد و اراده شاکی خصوصی در تعقیب و مجازات آن تأثیری ندارد. قانون‌گذار با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری حجم جرایم قابل گذشت را افزایش داده است، لذا مبانی و آثار این موضوع را باید دانست.

در حقوق کیفری معاصر، نگاه به جرم و مجرم از چارچوب صرفاً تنبیهی و بازدارنده فراتر رفته و ابعاد انسانی، اجتماعی و ترمیمی جرم اهمیت ویژه‌ای یافته است. با وجود پیش‌بینی جرایم قابل گذشت در قوانین ایران، هنوز پرسش‌های بنیادینی در مورد مبانی جرم‌شناختی و آثار عملی آن مطرح است. از جمله این پرسش‌ها این است که تا چه اندازه مفاهیم جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و نقد برچسب‌زنی کیفری در کاهش اثرات منفی اجتماعی و روانی بر مجرم مؤثر بوده است؟ و نقش آنها در طراحی و اجرای جرایم قابل گذشت چگونه است؟ همچنین رویکردهای صلح‌طلب و عدالت ترمیمی تا چه حد زمینه‌سازی روابط اجتماعی، جبران آسیب‌های وارده به بزه‌دیده و تبیین سیاست کیفری متناسب با مصالح عمومی و خصوصی را فراهم کرده است؟ پرسش دیگر این است که جرم‌شناسی محکومان و انسان‌محور و توجه به شرایط فردی محکومان چگونه توانسته است در تنظیم فرآیند گذشت شاکی و بازپروری مجرم تأثیرگذار باشد؟ و تعامل میان حقوق بزه‌دیده و مجرم را چگونه شکل دهد؟

در سطح آثار حقوقی نیز مسأله مهم این است که توسعه جرایم قابل گذشت چه تأثیری بر حقوق کیفری ماهوی و شکلی دارد؟ با توجه به این خلأها، پرسش اصلی تحقیق این است: «مبانی جرم‌شناختی توسعه جرایم قابل گذشت چیست؟ و این مبانی چه آثار احتمالی بر حقوق کیفری ایران، در ابعاد ماهوی و شکلی، می‌توانند داشته باشند؟»

۱. مبانی جرم‌شناختی توسعه جرایم قابل گذشت

در حقوق کیفری معاصر، رویکردها به جرم و مجرم بیش از آنکه صرفاً مبتنی بر تنبیه و بازدارندگی باشند، بر ابعاد انسانی، اجتماعی و ترمیمی جرم تأکید دارند. توسعه جرایم قابل گذشت در این چارچوب قابل تحلیل است؛ زیرا این مفهوم بیش از آنکه یک رویه حقوقی صرف باشد، بازتاب‌دهنده نگرش‌های جرم‌شناختی نوین است. از منظر جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، جرم صرفاً رفتاری قانونی نیست، بلکه نتیجه واکنش جامعه و نظام کیفری به آن

رفتار است و برچسب «مجرم» می‌تواند هویت فرد را تثبیت کرده و مسیر بازپروری او را مختل کند. در این زمینه، امکان گذشت شاکی به کاهش آثار منفی اجتماعی و روانی برچسب‌زنی و فراهم آوردن زمینه مصالحه و بازسازی اجتماعی کمک می‌کند. همزمان، دیدگاه جرم‌شناسی صلح‌طلب و عدالت ترمیمی، بر بازسازی روابط اجتماعی، جبران آسیب به قربانی و ترمیم پیوندهای اجتماعی تأکید دارد و جرایم قابل گذشت ابزار عملی مناسبی برای تحقق این اهداف محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، رویکرد جرم‌شناسی محکومان و انسان‌محور در پاسخ کیفری، ضرورت توجه به شرایط و ویژگی‌های فرد مجرم و هدف قرار دادن اصلاح و بازپروری به جای تنبیه صرف را مطرح می‌کند و امکان گذشت شاکی با کاهش پیگرد کیفری اجباری، جلوه عملی این نگاه انسانی را نشان می‌دهد. در نتیجه، توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری ایران، نه تنها پاسخ کیفری را متناسب‌تر و انسانی‌تر می‌سازد، بلکه زمینه‌ای برای عدالت ترمیمی، مصالحه اجتماعی و بازپروری مجرم فراهم می‌آورد و با تأکید بر تعامل متوازن میان حقوق قربانی و مجرم، سیاست کیفری کشور را به سمت رویکردی منعطف، ترمیمی و انسان‌محور هدایت می‌کند.

۱-۱. جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و نقد برچسب‌زنی کیفری

در دهه ۱۹۵۰ و به‌ویژه اوایل دهه ۱۹۶۰، با پیوستن اندیشه انتقادی مکتب جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، به تمرکز ویژه رویکرد تعامل نمادین بر نقش ارزیابی‌های دیگران در تشکیل و تغییر هویت و اعمال شخص، نظریه‌ای متفاوت، به نام «نظریه تعامل‌گرایی» یا «برچسب‌زنی»، در انتقاد به جرم‌شناسی کلاسیک، شکل گرفت و به یاری شرایط مستعد حاکم بر آن دوران، در آمریکای شمالی بروز یافت. این نظریه، مفاهیم انحراف و منحرف را به صورت ذهنی و نه عینی تعریف کرد. در علت‌شناسی جرم هم، واکنش‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی را از طریق برچسب‌زنی، تحقیر و طرد فرد، موجد جرم و به‌خصوص، موجب تکرار جرم و پیدایش هویت و حرفه مجرمانه در شخص قلمداد نمود. به همین سبب نیز، خواستار کاهش چنین واکنش‌هایی در قبال جرم، به‌ویژه در قالب تحدید دامنه مداخله نظام عدالت کیفری گشت و بدین ترتیب، دریچه‌ای نو را در جرم‌شناسی و سیاست جنایی گشود (رستمی تبریزی و محتشمی، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

جرم‌شناسان، واکنش اجتماعی را فرایندی اجتماعی نسبت به جرم و کژروی تعریف می‌کنند که رسانه‌ها، پاسخ‌های همگانی و سیاسی (مانند افکار عمومی، سیاست‌مداران و سامانه دادگستری جنایی) در آن نقش دارند. این پاسخ‌ها رفتارهای بعضی از افراد و گروه‌ها را کلیشه‌سازی می‌کنند، انگ یا برچسب می‌زنند، جرم‌انگاری می‌کنند و یا بر آنها دامن می‌زنند. بدین‌سان نظریه واکنش اجتماعی در جرم‌شناسی، با توجه به مفاهیمی چون «سنخ کلیشه‌ای» و

«انگ‌زنی»، با «نظریه برجسب‌زنی» در «جرم‌شناسی میان‌کنش» مشترک است. به سخن دیگر، هر دو کانون مطالعه و پژوهش جرم‌شناختی - جامعه‌شناختی را از سبب‌های کژروی و جرم به سوی پاسخ‌های جامع‌نگر به این پدیده‌ها تغییر می‌دهند (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱، ص ۳۶۷-۳۶۸).

بنابراین جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و نقد برجسب‌زنی کیفری نشان می‌دهد که نظام کیفری باید با دقت و توجه به پیامدهای اجتماعی واکنش خود عمل کند. توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری ایران، مبتنی بر این مبانی، واکنش کیفری متناسب، کاهش برجسب‌زنی، تقویت مصالحه و بازپروری اجتماعی را ممکن می‌سازد و از جنبه‌های نظری و عملی، به عدالت کیفری انسانی و ترمیم‌محور کمک می‌کند.

۱-۲. جرم‌شناسی صلح‌طلب و عدالت ترمیمی؛ از مبانی نظری تا دلالت‌های جرم‌شناختی کاربردی

«جرم‌شناسی صلح‌طلب»^۱ مبتنی بر توافق و مصالحه بوده و بیانگر یک رویکرد صلح‌جویانه در برخورد با مرتکبین بزه است و در واقع مخالف هرگونه خشونت در اجرای مجازات‌ها است. نگرش جرم‌شناسی صلح‌طلب در مورد مفهوم جرم و راهکارهای مقابله با آن متفاوت از سایر جرم‌شناسی‌هاست که استفاده از این نگرش و راهکارها در مورد برخی جرایم می‌تواند آثار مفیدی را به همراه داشته باشد (صفاری و صابری، ۱۳۹۸، ص ۱۴۸).

جرم‌شناسی صلح مدار یا صلح‌جو یا طرفدار صلح بر فرضیه ناکارآمدی نگاه دشمن‌مدار نسبت به بزه، بزه‌کار و شکست و انفعال اعمال خشونت قضایی، حقوقی و اجرایی در مواجهه با پدیده جنایی و سهامداران آن استوار است. در گفتمان این جریان جرم‌شناختی، رگه‌هایی از اندیشه و فلسفه فکری الغاگرایی جنایی و حقوقی نمود عینی دارد و تدابیری چون نظام کیفرهای شدید و سخت‌گیرانه در قبال جرایم خرد و پاسخ خشن به رفتار مجرمانه خشن، واجد اعتبار و قابلیت توصیف نمی‌شوند. این نظریه معتقد است حقوق کیفری ذاتاً خشن است، جرم یک خشونت است و پاسخ به جرم نیز نوعی خشونت می‌باشد (وروایی و شکری، ۱۴۰۰، ص ۱۵۸).

مهم‌ترین جنبه جرم‌شناسی صلح‌طلب می‌توان به پارادایم «عدالت ترمیمی»^۲ اشاره داشت که از منظر فلسفه فکری اصلاح‌مدارانه و ترمیم‌خواه با جرم‌شناسی صلح‌جو در یک مسیر هستند. جرم‌شناسان صلح‌طلب، عدالت ترمیمی را به عنوان پاسخی صلح‌گرا به جرم می‌شناسند و به نوعی طرفدار عدالت ترمیمی در سیاست جنایی قضایی هستند. به عبارت بهتر ایجاد عدالت

1. Peacemaking Criminology
2. Restorative justice

ترمیمی مهم‌ترین رسالت جرم‌شناسی صلح‌طلبانه در جهت بازپروری و بازسازی نظام عدالت کیفری است، جرم‌شناسی صلح‌جو زمینه‌هایی نو در تغییر اعمال راهبردهای سخت‌گیرانه کنترل جرم، به سمت وسوی استفاده از راهبردها و شیوه‌های انسانی همچون مصالحه و میانجی‌گری می‌باشد (کرامتی معز، ۱۴۰۳، ص ۸۶-۸۷).

عدالت ترمیمی بیش از هر چیز، از انتقادات وارد بر عدالت کیفری سنتی و نیاز به تحول آن، برای رسیدن به جامعه‌ای بهتر سر برآورده است. انتقاداتی که ناظر بر فقدان تأثیر عدالت کیفری در اصلاح مجرمین و پیشگیری از جرم، نقش فرعی آن در پاسخ به جرم، به حاشیه رفتن بزه‌دیده، منفعل بودن بزه‌کار در فرآیند رسیدگی و نقش محوری مقامات دادگاه است (عزیزی و فولادگر، ۱۳۹۶، ص ۵۲۳).

بنابراین در امتداد این مبنای نظری، عدالت ترمیمی به مثابه صورت‌بندی نهادی و عملی جرم‌شناسی صلح‌طلب در نظام عدالت کیفری مطرح می‌گردد. عدالت ترمیمی به جای تمرکز انحصاری بر بزه‌کار و مجازات، به ترمیم آسیب‌های وارده به بزه‌دیده، جامعه و حتی خود بزه‌کار توجه دارد و با اعطای نقش فعال به طرفین تعارض، امکان مشارکت آنان را در فرآیند پاسخ‌دهی کیفری فراهم می‌سازد. نهادهایی همچون گذشت شاکی، میانجی‌گری کیفری و توافق‌های جبرانی، نمونه‌هایی از تحقق عملی این رویکرد هستند که در بستر جرایم قابل گذشت نمود آشکارتری می‌یابند.

از منظر جرم‌شناسی کاربردی، دلالت‌های این رویکرد در توسعه جرایم قابل گذشت را می‌توان در کاهش مداخله کیفری رسمی، کاستن از اطاله دادرسی، تقویت رضایت بزه‌دیده و پیشگیری از تداوم تعارض کیفری مشاهده کرد. بدین ترتیب، توسعه جرایم قابل گذشت نه تنها با مبنای نظری جرم‌شناسی صلح‌طلب سازگار است، بلکه در سطح عملی نیز به تحقق اهداف عدالت ترمیمی یاری می‌رساند و زمینه‌ساز تحولی در حقوق کیفری ایران می‌شود که آثار آن در ابعاد ماهوی و شکلی نظام عدالت کیفری قابل تحلیل و ارزیابی است.

۳-۱. جرم‌شناسی محکومان و انسان‌محوری در پاسخ کیفری

مؤسسین ابتدایی «جرم‌شناسی محکومان»^۱ همان زندانیان سابق هستند که پس از تحمل مدت محکومیت و طی مدارج تحصیل در حوزه‌های جرم‌شناسی، اینک به اساتید دانشگاه و محققانی برجسته در حوزه نقد و آسیب‌شناسی سیستم قضایی مبدل شده‌اند و سعی دارند بر اساس تجربیات عینی و واقعی خود از دنیای زندان به بهبود شرایط و استانداردهای فرآیند مدیریت بزه‌کاری و ارتقای دانش جرم‌شناسی کمک کنند (کرامتی معز، ۱۴۰۳، ص ۱۰۸).

جرم‌شناسان و استادان محکوم سابق تحت عنوان «جرم‌شناس محکوم سابق»^۱، «استاد دارای محکومیت» یا «محکومیت زندان در گذشته»^۲، «استاد دارای سابقه محکومیت زندان» یا «استاد سابقه‌دار کیفری زندان»^۳، «دانشگاهی و زندانی سابق»^۴ نیز شناخته می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷، ص ۳۵).

به عبارتی جرم‌شناسی محکومان جرم‌شناسی نوین است. این جنبش توسط محکومان سابق که اکنون به استادان دانشگاه‌ها تبدیل شده‌اند، ایجاد شده است. این زنان و مردان که لباس‌های نامناسب زندان و جامه فاخر دانشگاهی را پوشیده‌اند و سال‌ها در پشت دیوارهای زندان بوده و اکنون در دانشگاه‌ها به سر می‌برند، معماران اصلی این جنبش به‌شمار می‌روند (دکسردی، ۱۴۰۲، ص ۹۸-۹۹).

جرم‌شناسان محکوم با تجربه مستقیم و روش «مشاهده مشارکتی» واقعیت‌های فوق را درک کردند و توانستند با تجربه‌های دیروز خود در حوزه زندان، کارنامه زندان و نقش فرهنگ آن را بر آینده زندانیان و جامعه مطالعه کنند (ارل، ۱۳۹۷، ص ۱۳).

بنابراین رویکرد جرم‌شناسی محکومان و انسان‌محوری باعث شده است که حقوق کیفری ایران در مواردی به توسعه جرایم قابل گذشت توجه کند. این توسعه نه تنها عدالت کیفری را متناسب با شرایط فردی و اجتماعی بزه‌دیده و مجرم می‌کند، بلکه به کاهش بار قضایی، تقویت مصالحه اجتماعی و ارتقای بازپروری مجرم کمک می‌کند. به عبارتی، جرم‌شناسی محکومان و انسان‌محور پایه نظری و فلسفی توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری ایران است.

۲. آثار توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری

در سال ۱۳۹۹ مقنن در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصادیق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی و دامنه جرایم قابل گذشت را گسترش داد و بدین ترتیب از رهگذر تغییر در سازوکارهای برخی از جرایم، در این قانون اقدام به جرم‌زدایی تقنینی نمود، همچنین قانون اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ به تصویب رسید.^۵

1. Exconvict Criminologist

2. Excon Professor

3. Professor with a Past

4. Academic, and ex prisoner

۵. طرح اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مبنی بر حذف عبارت «و جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده (۳۶) این قانون بیشتر نباشد و نیز کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده و سرقت موضوع مواد (۶۵۶)، (۶۵۷) و (۶۶۱) و (۶۶۵) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵ به شرطی که ارزش مال مورد سرقت پیش از دویست میلیون (۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال نباشد و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد»، بنابراین جرم سرقت و کلاهبرداری تحت هر شرایطی جرم غیرقابل گذشت تلقی شده‌اند.

با این وصف ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۴۰۳ مقرر شده است: «علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد کذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرائم مندرج در مواد (۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰) در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و (۷۴۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۶۷/۳/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده (۳۶) این قانون بیشتر نباشد (مساوی یا کمتر از یک میلیارد ریال) و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور، همچنین کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد هجده سال در صورت داشتن بزه‌دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است».

۲-۱. آثار توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری ماهوی

توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری ماهوی به معنای افزایش تعداد جرایمی است که تعقیب و مجازات آنها منوط به شکایت شاکی خصوصی است و با گذشت وی، رسیدگی کیفری متوقف می‌شود. افزایش جرایم قابل گذشت باعث کاهش تعداد پرونده‌هایی می‌شود که مستلزم رسیدگی قضایی طولانی مدت هستند. این امر منجر به کاهش حجم کاری دادسراها و دادگاه‌ها شده و امکان تمرکز بر جرایم مهم‌تر و غیرقابل گذشت را فراهم می‌کند. این تغییر دارای آثار و پیامدهای متعددی در حوزه حقوق کیفری ماهوی است که در ادامه بررسی می‌شود:

۲-۱-۱. تنصیف مجازات

مجازات حبس به منزله یک مجازات اصلی، از نیمه دوم قرن هجدهم به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام کیفری بسیاری از کشورها وجود دارد. هرچند در سیر تحول نظام مجازات‌ها، تحولاتی در زمینه مجازات حبس و بهتر اجرایی شدن آن وجود دارد (صفاری، ۱۴۰۱، ص ۴۳). امروزه پژوهشگران و دکترین علوم جنایی با قطعیت تمام از دستاوردهای علمی و مشاهده اثرات و پیامدهای سوء و آسیب‌های اجتماعی غیرقابل جبران معتقدند که نقش اصلاحی زندان‌ها به دلیل آثار سوء آن به حاشیه رانده شده است و دیگر حبس را به عنوان مجازاتی با هدف اصلاح، بازپروری و توانمندسازی فرد مجرم و خطاکار برای بازگشت به اجتماع و ادامه زندگی به عنوان فرد عادی ابزار مناسبی نمی‌دانند و به شدت برای کاهش تبعات

منفی حبس بر ضرورت به‌کارگیری مجازات‌های جایگزین حبس تأکید دارند و برای نیل به اهداف اصلی مجازات مجرمان و کاهش چشم‌گیر تبعات زیان‌بار آن بسیار مناسب می‌دانند (Russell, 2015, p.28).

تحقیقات جرم‌شناسی مبتنی بر این است که مجازات حبس در وصول به هدف اصلاحی نیز ناکام ماند و به یک کانون آموزش بزهکاری و جرم تبدیل گردید تا زندانیان در آن مکان روش‌های مختلف ارتکاب جرم را به صورت فنی و حرفه‌ای آموزش دیده و یاد بگیرند؛ تا جایی که زندان را از ماهیت «کلینیک درمانی» در نگاه جرم‌شناسان تحقیقی به «مدرسه جرم» بدل کرد. به تعبیر بعضی از جرم‌شناسان صاحب‌نظر، مجازات زندان در حقیقت یک دانشگاه جنایی تلقی شده که از یک موجود بی‌خطر یا کم‌خطر، فردی خطرناک، بد پیشینه و بی‌آبرو تحویل جامعه می‌دهد (کی‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱).

از این‌رو یکی از دستاوردهای قانون، پیرو توسعه قلمرو جرایم قابل گذشت، کاهش مجازات حبس جرایم مذکور است. به موجب تبصره ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (الحاقی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) مقرر شده است: «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد».

پس حسب تبصره فوق، تصنیف مجازات: ۱) صرفاً نسبت به مجازات حبس است؛ ۲) مجازات حبس تقلیل یافته باید تعزیری باشد؛ ۳) مجازات حبس تعزیری تقلیل یافته صرفاً باید تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت باشد و شامل حبس تعزیری درجه یک، دو و سه نمی‌شود؛ ۴) جرم مربوطه نیز باید قابل گذشت باشد؛ ۵) در مجازات‌های حبس با عدد ثابت مثل یک سال حبس و یا مجازات‌هایی که فقط حداکثر دارند (مثل تا یک سال حبس) نیز مجازات به نصف تقلیل می‌یابد (عابدی، ۱۳۹۹، ص ۸۳).

با مطالعه و مذاقه در تحولات تقنینی جرایم قابل گذشت مشخص گردید که اولاً با روش احصای قانونی جرایم قابل گذشت از غیرقابل گذشت تفکیک شدند و ثانیاً گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت باعث موقوفی تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات می‌گردد. در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ نیز علاوه بر افزایش تعداد جرایم قابل گذشت، اقدامی بدیع توسط قانونگذار انجام گرفت و آن این بود که حداقل و حداکثر جرایم قابل گذشت را نیز به نصف تقلیل داد؛ بدین معنا که در جرایم قابل گذشت، علاوه بر اینکه تعیین سرنوشت مجازات متهم در اختیار شاکی است و در صورت گذشت شاکی پرونده بسته می‌شود، اما با عدم گذشت شاکی، اگرچه پرونده بسته نمی‌شود و قرار موقوفی صادر نمی‌گردد، ولی مجازات به نصف تقلیل می‌یابد. این در حالی است که در جرایم تعزیری، دیگر این تقلیل مجازات وجود ندارد؛ بنابراین یکی دیگر از مصادیق گرایش قانونگذار به رویکرد حبس‌زدایی در قانون

کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، افزایش جرایم قابل گذشت و تقلیل مجازات آنها می‌باشد (کلانتری و ابراهیمی، ۱۴۰۱، ص ۱۷۱).

مقرره تبصره مذکور مطلق بوده و درباره جرایمی که به موجب قوانین خاص نیز قابل گذشت اعلام شده‌اند، جاری می‌گردد. از آنجا که در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، هر چه لفظ قانون به طور مطلق به کار رفته است، منظور قانون مجازات اسلامی بوده است، لذا در خصوص لفظ «قانون» به کار رفته در این تبصره، این شبهه ایجاد شده است که فقط منظور قانون مجازات اسلامی می‌باشد یا شامل سایر قوانین نیز می‌گردد. این شبهه منجر به صدور نظریه مشورتی از سوی اداره کل حقوقی قضائیه به شماره ۴۶۰/۹۹/۷ به تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۸ شده است. «با توجه به اطلاق تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، حکم مقرر در این تبصره شامل کلیه مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا هشت در جرایم قابل گذشت در تمامی قوانین عام و خاص است».

نکته حائز اهمیت در خصوص مقرره این تبصره و بند الف این نوشتار این است که مجازات حبس بزه موضوع ماده ۶۸۴ ق.م.ا.ت یک مرتبه و فوق بند ث ماده ۱ این قانون کاهش یافته است و از طرفی حسب تبصره مذکور، مجازات حبس جرایم قابل گذشت درجه ۴ تا ۸ به نصف تقلیل می‌یابند. حال با توجه به اینکه بزه موضوع ماده ۶۸۴ ق.م.ا.ت قابل گذشت بوده و جز جرایم تعزیری درجه ۴ تا ۸ قرار می‌گیرد، آیا نصف شدن مجازات این بزه در حالی که مجازات حبس این جرم یک بار به موجب بند ث ماده ۱ این قانون تقلیل یافته است، مجدداً حسب تبصره مذکور کاهش می‌یابد و مجازات حبس آن به سه ماه تا یک سال تقلیل پیدا می‌کند؟

در پاسخ گفته شده در دوران بین تخصیص و نسخ، اگر دلیل خاصی مانند «یحرم اکرام زید العالم» وارد شود و بعد دلیل عامی مانند «اکرم العلما» از طرف مولا صادر شود، بین اینکه عام، نسخ دلیل اول باشد یا دلیل اول مخصص عام دلیل دوم باشد، سوال وجود دارد. در پاسخ به این سوال، مرحوم مظفر به طور مفصل به بحث پرداخته و بیان داشته: «هنگامی که دلیل خاص به عام متصل باشد، بی‌گمان از موارد نسخ نیست؛ زیرا حکم عام اصلاً ثابت نشده است تا آن را به دلیل دیگری نسخ نمایند؛ اما آنجا که دلیل خاصی دلیل دوم منفصل باشد، حالات متفاوتی بر حسب معلوم بودن یا نبودن تاریخ هر دو دلیل و یا یکی از آنها تصور می‌شود که عالمان اصول در حکم آنها اختلاف نموده‌اند. این در حالی است که ایشان در همه این موارد، تشخیص را بر نسخ مقدم می‌نمایند (فرهمند و گرامی، ۱۴۰۲، ص ۶۳-۶۴).

حال اگر طبق نظر مرحوم مظفر قائل به تخصیص باشیم، لذا حکم بند ث ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری حکمی خاص قلمداد می‌شود و مقرره تبصره ماده ۱۱ این قانون

حکمی عام دانسته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که مقصود قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۱ قانون مذکور، جرایم قابل گذشت به جز ماده ۶۸۴ می‌باشد که مجازات آن یک بار در این قانون اصلاح شده است. بر اساس اصولی، این تفسیر و برداشت از قانون به نظر درست می‌آید، اما از طرفی برداشت مذکور مخالف تفسیر به نفع متهم می‌باشد. لذا در این راستا، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۴۶۰/۹۹/۷ به تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۸ اظهار می‌دارد: «طبق بند ث ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات حبس جرم موضوع ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، حبس درجه ۶ تعیین شده است و چون این جرم طبق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، جرم قابل گذشت است، مشمول تقلیل مجازات حبس موضوع تبصره الحاقی ماده اخیرالذکر می‌شود. حداقل و حداکثر مجازات به نصف تقلیل یافته و در نتیجه مجازات حبس جرم موضوع ماده مذکور، سه ماه تا یک سال است» (فره‌مند و گرامی، ۱۴۰۲، ص ۶۴).

به نظر نگارنده نیز، با توجه به اینکه عنوان قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است و هدف قانون‌گذار نیز در جهت تصویب این قانون بیشتر جنبه مدیریتی داشته تا حقوقی، بدین معنی که به هر طریقی سعی است که جمعیت کیفری زندان‌ها کاهش پیدا کند و حتی در این مسیر مجازات حبس جرایم مهم و خطرناک نیز کاهش یافته‌اند. لذا با عنایت به این که این قانون در کل نسبت به دیگر قوانین، قانون اخف محسوب می‌شود، بنابراین تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌کند که قائل به نظر اداره حقوقی باشیم و بگوییم مجازات حبس ماده ۶۸۴ علی‌رغم اینکه در بند ث ماده ۱ این قانون کاهش پیدا کرده است، به موجب تبصره ماده ۱۱ این قانون نیز مجدداً تقلیل می‌یابد؛ بنابراین، مجازات کاهش یافته، مجازات قانونی جرایم محسوب می‌شود و درجه مجازات و به تبع آن صلاحیت دادگاه‌ها بر این اساس تعیین می‌شود.

۲-۱-۲. تبدیل مجازات

تبدیل در لغت به معنای دگرگون کردن و دگرگون‌سازی است و در اصطلاح به تغییر ماهیت مجازات به مجازاتی که مناسب‌تر به حال متهم باشد، تبدیل مجازات می‌گویند. هر چند وصف مناسب‌تر در قانون تعریف نشده، ولی می‌توان فهمید که منظور از آن نوعی تخفیف می‌باشد؛ البته تخفیفی که مناسب‌تر به حال بزه‌کار باشد؛ یعنی در خور موافق بودن مجازات با وضع و حال محکوم‌علیه، با این فرض که مجازات قانونی تناسب با خصوصیات او ندارد. پس نهاد تبدیل مجازات‌ها گامی در جهت «سیاست فردی کردن مجازات‌ها»^۱ است (میرزایی یزدی و موسوی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۱).

۱. اصل فردی کردن مجازات‌ها که به عنوان تأسیسی نوین در حقوق کیفری غرب شناخته می‌شود، در فقه جزایی اسلام دارای سابقه‌ای طولانی است. این اصل در حقوق عرفی، محصول توجه قانون‌گذاران به شخصیت مجرم و از دستاوردهای

مجازات جرایم قابل گذشت زیر بر حسب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تبدیل شده‌اند:

الف) حسب بند ۱ ماده ۱ این قانون، چنانچه در بزه تخریب عمدی موضوع ماده ۶۷۷ ق.م.ا.ت. میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد، مجازات مرتکب به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده می‌باشد. لذا طبق این بند، مجازات حبس ماده ۶۷۷ در صورت حصول این شرط، تبدیل به جزای نقدی نسبی می‌شود.

ب) وفق بند ج ماده ۱ این قانون، مجازات شلاق از بزه توهین و مجازات حبس و شلاق از بزه افترا حذف شده و تبدیل به جزای نقدی درجه ۶، یعنی به میزان بیش از صد میلیون ریال تا دویست و چهل میلیون ریال شده است؛ بنابراین علاوه بر اینکه مجازات شلاق از هر دو جرم مذکور حذف گردیده، بلکه مجازات حبس بزه افترا نیز تبدیل به جزای نقدی درجه شش شده است.

۳-۲-۱. دگرگون شدن احکام معاونت و شروع به جرم

وفق مقررات ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، چنانچه فردی در مرحله شروع به ارتکاب جرم عمدی متوقف و دستگیر شود، برای قابل کیفر بودن رفتار او لازم است که جرم مقصود و ناتمام وی مستوجب حبس درجه پنج و بالاتر از آن باشد. به بیان دیگر، شروع به ارتکاب جرمی که مستوجب حبس درجه شش تا هشت باشد، فاقد وصف کیفری و غیرقابل مجازات است.

از این رو ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، جرایمی که دارای مجازات حبس تعزیری درجه پنج می‌باشند، شروع به جرم آن‌ها جرم‌انگاری شده و به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شوند؛ بنابراین، با توجه به اینکه بسیاری از جرایم طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری قابل گذشت شده‌اند و مجازات حبس آنها نیز وفق تبصره ماده ۱۱ این قانون به نصف تقلیل یافته است، لذا شروع به جرم بسیاری از این جرایم دیگر جرم نیست.

همین‌طور در خصوص معاونت در جرم، با عنایت به اینکه مجازات حبس بسیاری از این جرایم به حبس درجه شش کاهش یافته است، لذا حسب ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی، مجازات معاونت در جرم این جرایم تبدیل به حبس درجه ۷ یا ۸ شده است. در جرایمی مانند

اواخر قرن نوزدهم می‌باشد. به موجب این اصل، مجازات باید بر شخصیت مجرم و شرایط ارتکابی جرم وی منطبق باشد. اسلام از ابتدای تشریح مبانی کیفری خویش، اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها را در نهادها و مراحل گوناگون، پیش‌بینی نموده و تدابیر لازم را در راستای توجه به شخصیت بزه‌کار به کار بسته است. این اصل که در قوانین کیفری ایران از بدو قانون‌گذاری تا به حال مورد توجه بوده، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به طرز گسترده‌تری، مورد پیش‌بینی قانون‌گذار قرار گرفته است (فروتین، رضا و امام، سید محمدرضا، ۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی اصل فردی کردن مجازات‌ها در فقه جزایی اسلام و حقوق ایران با نگاهی به تحولات قانون مجازات اسلامی، فقه جزای تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱).

مزامحت تلفنی که مجازات آن حسب تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تبدیل به حبس درجه ۸ شده است، دیگر نمی‌توان وفق ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی برای معاونت در این جرم مجازات تعیین کرد.

۴-۱-۲. گذشت جرایم مبتنی بر شرایط سنی بزهکار

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در راستای اصلاح سیاست‌های کیفری و کاهش جمعیت زندانیان، گام‌های مؤثری در توسعه جرایم قابل گذشت و ترویج رویکردهای اصلاحی و جایگزین برای مجازات‌های حبس برداشته است. یکی از ابعاد مهم این تحولات، توجه به شرایط سنی بزهکار به‌ویژه در برخورد با نوجوانان و جوانان است. قانون‌گذار با تکیه بر درک تفاوت‌های روانی و اجتماعی افراد بر اساس سن، نقش گذشت را در جرایم ارتكابی توسط افراد جوان‌تر برجسته‌تر کرده است.

دستاوردهای دانش‌های گوناگون مرتبط پیراحقوقی به‌ویژه جرم‌شناسی و کیفرشناسی و همچنین بهره‌مندی از تجارب پاسخ‌دهی به بزهکاران نشان داده است که پاسخ‌گذاری و پاسخ‌دهی یکسان به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار ناکارآمد بوده و به پایدار شدن بزهکاری آنان خواهد انجامید. در این میان اسناد و مقررات بین‌المللی حقوق بشری نیز با تأکید بر مؤلفه‌های گوناگون همواره به دنبال انسداد چرخه به عادت شدن بزهکاری این دسته از شهروندان هستند «مصالح عالیہ اطفال و نوجوانان»^۱ که به عنوان یک اصل راهبردی و بنیادین مورد توجه نظام سیاست جنایی سازمان ملل بوده یک شاخص محسوب شده تا سیاست‌گذاران جنایی داخلی کشورها از رهگذر آن، تدابیری اتخاذ کنند تا اسباب دورسازی و قطع ارتباط کودک یا نوجوان با فرایند کیفری برای همیشه به عنوان یک آرمان فراهم گردد. نظام عدالت کیفری ایران نیز از رهگذر تحولات صورت گرفته به تبعیت از بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک تلاش کرده تا این اصل را رعایت کند (رستمی و موسوی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۷).

۱. کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۳ اعلام می‌دارد در تمام اقدامات مربوط به کودکان، منافع کودک از اهم ملاحظات است. مبنای این ماده قاعده کلی تأمین مصلحت کودک در تمام امور مربوط به او به عنوان اساسی‌ترین عامل در حوزه حقوق کودک است. بر این اساس در کلیه امور و اقدامات، دولت‌ها و خانواده باید منافع کودک را مد نظر قرار دهد. لذا ضروری است که تأثیر کلیه تصمیمات متخذه از سوی نهادهای رفاه اجتماعی و خصوصی، دادگاه‌ها و مقامات اجرایی و تقنینی بر منافع کودک مورد ارزیابی قرار گیرد (شهبازی، امید، و باوی، حسن. ۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان. چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۸. اصل منافع عالیہ اطفال و نوجوانان به عنوان یک اصل راهنما، تکمیلی و تفسیری است که کودک را به عنوان یک انسان محق و بهره‌مند تلقی می‌کند؛ در حالی‌که باید وضعیت خاص وی در هر گونه تصمیم‌گیری مستقیم یا غیرمستقیم در دادرسی عادلانه لحاظ گردد. با توجه به منافع عالیہ کودک، در تمامی تصمیمات متخذه در طول اجرای عدالت کیفری برای کودکان و نوجوانان، همواره باید به عنوان یک اولویت در نظر گرفته شود (رهابی، سعید. ۱۳۹۳). مصالح عالیہ کودک، مجموعه مقالات حقوق کودک مطالعه تطبیقی در اسلام و اسناد بین‌المللی، چاپ اول، قم: دانشگاه مفید

به صورت کلی در همه سیستم‌های حقوقی دنیا، حمایت از افراد نوجوان اعم از بزهکار و بزه‌دیده به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم می‌باشد. قانونگذار در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به این مهم توجه نموده و دامنه جرایم قابل گذشت را با توجه به سن بزهکاران گسترش داده است و در این خصوص ماده ۱۱ قانون کاهش اشعار می‌دارد «... همچنین کلیه جرایم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه‌دیده مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بوده و قابل گذشت است». در واقع قانونگذار به منظور دورسازی و قطع ارتباط نوجوان با فرایند کیفری و انسداد چرخه به عادت شدن بزهکاری این دسته از بزهکاران در ماده مذکور دامنه جرایم قابل گذشت را توسعه داده است. با توجه به مقرر مذکور، جرایم ارتكابی با درجه تعزیر پنج تا هشت و با وجود بزه‌دیده و صرف نظر از نوع و ماهیت جرم ارتكابی و هر شرط دیگری جرم قابل گذشت محسوب می‌گردند. این شکل از سیاست کیفری در قبال نوجوانان بزهکار با فلسفه ذکر شده فوق به عنوان یکی از دستاوردهای قانون کاهش محسوب می‌شود (فتیلی، قدیری بهرام آبادی، صادق نژاد نائینی و نقدی دورباطی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۴).

توسعه جرایم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری برای بزهکاران کودک و نوجوان، همچنین به ایجاد انگیزه برای اصلاح رفتار و بازگشت به جامعه کمک می‌کند. اطفال و نوجوانان معارض با قانون با آگاهی از اینکه گذشت شاکی خصوصی می‌تواند به تخفیف مجازات یا توقف تعقیب کیفری منجر شود، تمایل بیشتری به اصلاح رفتار، عذرخواهی و جبران خسارت پیدا می‌کنند. این انگیزه به‌ویژه در سنین جوانی که شخصیت فرد هنوز در حال شکل‌گیری است، می‌تواند به پیشگیری از تکرار جرم و ترغیب به پیروی از قوانین اجتماعی کمک کند.

۱-۲-۵. اعطای نقش به شاکی در تعیین نوع و میزان مجازات (خصوصی‌سازی عدالت کیفری)
توسعه جرایم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، امکان تقویت عدالت ترمیمی را نیز فراهم کرده است. عدالت ترمیمی که به دنبال ایجاد سازش و ترمیم روابط میان بزه‌دیده و مجرم است، بر مشارکت فعال بزه‌دیده در فرآیندهای کیفری تأکید دارد. بزه‌دیده می‌تواند به جای اصرار بر مجازات حبس، با مجرم وارد گفت‌وگو شود و به دنبال جبران خسارت به شیوه‌های جایگزین باشد. این نوع از مشارکت فعال بزه‌دیده، به کاهش آسیب‌های اجتماعی و جلوگیری از تکرار جرم کمک کرده و در نهایت باعث اصلاح مجرم و بازگشت او به جامعه می‌شود.

مقنن گاهی به لحاظ کم‌اهمیت بودن حیثیت عمومی جرم و گاهی به علت رعایت مصالح و منافع خانوادگی و جلوگیری از لکه‌دار شدن حیثیت و شئون افراد و بالاخره در بعضی موارد بنا به ملاحظات سیاسی و اقتصادی تعقیب دعوی عمومی را مبتنی بر مطالبه متضرر از جرم منوط می‌کند و به مراجع کیفری اجازه نمی‌دهد که بدون تقاضای متضرر از جرم، متهم را تحت تعقیب قرار دهند.

مهم‌ترین نقش شاکی خصوصی نیز در فرآیند دادرسی جرایم، گذشت می‌باشد که می‌تواند سرنوشت تعقیب و پیرو آن متهم را دگرگون سازد. لازم به ذکر است که گذشت در جرایم قابل گذشت، موقوفی تعقیب را به دنبال دارد، در حالی که در جرایم غیرقابل گذشت، بیشترین تأثیر خود را در اعمال مجازات بر مجرم نمایان ساخته و با عنایت به اینکه شاکی می‌تواند در تمامی مراحل دادرسی گذشت نماید، به نظر می‌رسد گذشت در مرحله دادرسی می‌تواند موجبات تخفیف در مراحل دادگاه را نیز فراهم سازد (رستمی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۰۵).

در قوانین کیفری نیز اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرم است؛ چرا که جرم بدو نظم جامعه را به هم می‌زند و بزه‌دیده اولیه و اصلی آن جامعه است نه فرد و قابل گذشت بودن جرم استثنا بوده و نیاز به تصریح دارد. صرف نظر از تطبیق یا عدم تطبیق اصل حفظ عمومی در حقوق کیفری با تعریف قانونی جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت، یکی از مهم‌ترین اقدامات قانون کاهش مجازات‌های تعزیری، توسعه و افزایش دامنه مصادیق جرایم قابل گذشت بود. در این قانون در وهله اول مقنن بر خلاف اصل غیرقابل گذشت بودن جرایم، این دامنه را توسعه داده و ثانیاً هیچ متر و معیاری برای این توسعه مصادیق ذکر نشده و مقنن تنها به ذکر مواد قانونی بسنده کرده است.

۲-۲. آثار توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری شکلی

توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری شکلی (آیین دادرسی کیفری) به این معناست که تعداد بیشتری از جرایم تابع شکایت و گذشت شاکی خصوصی شوند و در نتیجه، نحوه تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات آن‌ها دچار تغییر شود. توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری شکلی تأثیرات گسترده‌ای بر فرآیند دادرسی کیفری دارد. از یک سو، موجب کاهش بار قضایی، تسریع رسیدگی، تقویت نقش بزه‌دیده و ترویج سازش می‌شود. از سوی دیگر، می‌تواند به سوء استفاده از دادرسی کیفری، کاهش بازدارندگی برخی جرایم و بی‌ثباتی در سیاست‌های کیفری منجر شود؛ بنابراین، قانون‌گذار باید در تعیین جرایم قابل گذشت، تعادلی بین حفظ حقوق بزه‌دیده، تأمین نظم عمومی و پیشگیری از سوء استفاده‌های احتمالی برقرار کند. این توسعه آثار و پیامدهای مهمی در فرآیند دادرسی کیفری دارد که در ادامه بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. تغییر در صلاحیت

صلاحیت در اصطلاح حقوقی عبارت است از توانایی و شایستگی مرجع قضایی در رسیدگی به جرم معین که توسط مقنن مشخص می‌شود. برخی نیز در تعریف صلاحیت آورده‌اند: صلاحیت در اصطلاح عبارت از قدرت، شایستگی و توانایی قانونی دادگاه‌های دادگستری یا مراجع غیر دادگستری در حل و فصل دعاوی و اختلافات است (طهماسبی، ج ۳، ۱۳۹۶، ص ۱۲).

صلاحیت در امور کیفری جزو قواعد آمره محسوب می‌شود و با نظم عمومی ارتباط ناگسستنی دارد. یکی از ضوابط تعیین صلاحیت نیز درجه جرم ارتكابی می‌باشد. حسب مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، جرایم درجه یک تا سه در صلاحیت دادگاه کیفری یک و جرایم درجه چهار تا شش در صلاحیت دادرسی عمومی و انقلاب و جرایم درجه هفت و هشت تحقیقات و رسیدگی آن توسط دادگاه کیفری دو صورت می‌گیرد. نکته حائز اهمیت این است که اگر نوع و میزان مجازات قانونی را منوط به میزان خسارت و ارزش مال و به تبعش اراده شاکی بدانیم، معارض و مخالف با اصول حاکم بر صلاحیت کیفری می‌باشد.

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در راستای تأثیری که بر صلاحیت دادگاه‌ها گذاشته است، بدین شرح است که حسب این قانون، با توجه به کاهش درجه مجازات برخی از جرایم قابل گذشت، مانند تصرف عدوانی اموال خصوصی، تبدیل به مجازات درجه ۷ شده‌اند و وفق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات و رسیدگی به این جرایم در صلاحیت مستقیم دادگاه قرار گرفته است. همچنین، حسب بند ت ماده ۱۱ این قانون، چنانچه بزه تخریب عمومی موضوع ماده ۶۷۷، میزان خسارت وارده زیر صد میلیون ریال باشد، دارای جزای نقدی نسبی می‌باشد و لذا در صلاحیت مستقیم دادگاه قرار می‌گیرد.

نکته حائز اهمیت در خصوص تغییر در صلاحیت برخی از جرایم قابل گذشت این است که «تجربه ناموفق حذف دادرسی در نظام قضایی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱ به‌خوبی نشان داد که انجام تحقیقات در دادرسی به رسیدگی بهتر و موفق در دادگاه‌ها می‌انجامد.» متأسفانه، با ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی، جرایم بیشتری همچون تصرف عدوانی، ممانعت از حق، و مزاحمت ملکی املاک و اراضی خصوصی درجه هفت محسوب شده و در صلاحیت مستقیم دادگاه‌ها قرار گرفته‌اند. این امر با توجه به پیچیدگی‌های تحقیقات مقدماتی و گاهی زمان‌بر بودن آن و نظر به واقعیات رسیدگی محاکم و کثرت پرونده‌های محوله، قابل انتقاد است (احمدزاده و تام، ۱۳۹۹، ص ۱۰۸).

انتقاد قابل طرح دیگر در این خصوص این است که قانون‌گذار صرفاً ارزش سوبیه و بازار سال تخریب شده را ملاک اهمیت جرم و شدت مجازات قرار داده است. لذا مقرر کرده است

که اگر میزان خسارت وارده کمتر از یکصد میلیون ریال باشد، دارای جزای نقدی نسبی می‌باشد. اما این همیشه ملاک مناسبی جهت اهمیت جرم و سنجیدن میزان ضرر وارده به شاکی و حمایت از بزه‌دیده نمی‌باشد، چرا که بزه تخریب برخلاف جرایم سرقت، کلاهبرداری و خیانت در امانت که قصد مرتکب بردن و تصاحب مال و نفع مالی و اقتصادی برای خود است، ناظر بر این است که مرتکب بدون اینکه قصد تصاحب و نفع مالی برای خود داشته باشد، بیشتر قصد ضربه زدن و ضرر مالی به بزه‌دیده را دارد. لذا ممکن است مالی به لحاظ عرفی ارزش مادی سوقیه نداشته و برای شاکی نیز از نظر مادی اهمیتی نداشته باشد، اما به لحاظ معنوی و روانی، ارزش بسیاری داشته باشد. لذا اقدام قانون‌گذار از این منظر نیز قابل اجرا و انتقاد است.

به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، تعیین درجه جرایم تعزیری بر اساس مجازات قانونی جرم ارتكابی صورت می‌گیرد. بدیهی است که منوط کردن نوع و میزان مجازات قانونی جرم ارتكابی به میزان خسارت و ارزش مال موضوع جرم، که دشواری تعیین آن به اثبات می‌رسد، با اصول حاکم بر صلاحیت کیفری سازگاری ندارد؛ چرا که صلاحیت در امور کیفری در زمره قواعد آمره بوده و به نحوی است که حتی توافق طرفین در آن هیچ تأثیری ندارد، چه برسد به اینکه این امر را در اختیار یکی از طرفین پرونده، یعنی شاکی، قرار دهیم.

۲-۲-۲. تغییر در مرور زمان

مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی که پس از آن، از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوای عمومی و سرانجام اجرای مجازات امکان‌پذیر نیست. همیشه جهت شمول مرور زمان، دیدگاه‌های موافق و مخالف وجود داشته است. موافقان مرور زمان، دلایلی چون فراموشی خاطره جرم در اثر گذشت زمان، دگرگونی شخصیت آدمی و احساس پشیمانی که ممکن است انسان را به راه آورد، ترس و نگرانی از جرم و از بین رفتن آثار و دلایل جرم پس از گذشت زمان را مطرح می‌نمایند. در مقابل، مخالفان معتقدند با گذشت زمان، همه وقایع از ذهن و ضمیر آدمی زدوده نمی‌شود. بکاریا معتقد است جنایات‌های جانگدازی که خاطره آن‌ها با تأدیه زمان در اذهان مردم باقی است، به اثبات رسید. سزاوار نیست که با فرار بزهکار و گریز از کیفر، مشمول مرور زمان شود (رحمانی فرد، ۱۳۹۹، ص ۱۴۳).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مرور زمان در جرایم تعزیری به چهار نوع تقسیم شده است:

۱. مرور زمان شکایت موضوع ماده ۱۰۶ ق.م.ا؛
۲. مرور زمان تعقیب موضوع مواد ۱۰۵ و ۱۰۹ ق.م.ا؛

۳. مرور زمان دادرسی و صدور حکم قطعی موضوع مواد ۱۰۵ و ۱۰۹ ق.م.ا؛

۴. مرور زمان مجازات و اجرای احکام قطعی موضوع مواد ۱۰۷ و ۱۰۹ ق.م.ا؛

از جمله آثار تبعی بر توسعه جرایم قابل گذشت، کاهش مجازات آن بر اساس تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش است. به علاوه، از آثار دیگر کاهش مجازات، تغییر درجه مجازات و طبیعتاً تغییر مدت شمول مرور زمان است. به عنوان نمونه، جرایم زیر با تصویب ماده ۱۱ قانون فوق، در درجه پایین تری نسبت به قبل از تصویب قانون قرار گرفته اند:

- سوء استفاده از ضعف نفس افراد غیر رشید از درجه ۵ به درجه ۶؛

- سوء استفاده از سفید مهر و سفید امضاء از درجه ۵ به درجه ۶؛

- خیانت در امانت از درجه ۵ به درجه ۶ و ...

با تغییر درجه مجازات، مدت کوتاه تری جهت شمول مرور زمان خواهیم داشت. مثلاً وفق ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی، مدت شمول مرور زمان تعقیب برای جرایم درجه ۴، ده سال، درجه ۵، هفت سال و درجه ۶، پنج سال از زمان ارتکاب بزه است (رحمانی فرد، ۱۳۹۹، ص ۱۴۴).

این امر موجب شده است جرایمی که بر اثر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تبدیل به جرم تعزیری درجه ۷ شده اند، مرور زمان شکایت آنها نیز به مراتب کمتر گردد. برای نمونه، حسب تبصره ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده ۱۰۵ این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد.»

تبصره مذکور تفاوتی هم در خصوص جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت ندارد و می دانیم که جرایم مهمی مانند تخریب عمدی و تصرف عدوانی از سوی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تبدیل به جرم تعزیری درجه ۷ شده اند. این تبصره بیانگر این موضوع است که در واقع جرایم مشمول مرور زمان یاد شده در ماده ۱۰۶، مشمول دو نوع مرور زمان یاد شده در ماده ۱۰۶ و مرور زمان تعقیب یاد شده در ماده ۱۰۵ هم می شود و مقام قضایی باید به این موضوع توجه کند (کوشکی، ۱۴۰۱، ص ۲۵۹).

برای نمونه، اگر شخصی مرتکب جرم تخریب عمدی کمتر از ده میلیون تومان شود و مالک مال پس از گذشت سه سال از وقوع جرم مطلع شده باشد و با این فرض که مال مورد تخریب دارای اهمیت معنوی بسیاری برای وی بوده است، ظرف مهلت یک ماه از تاریخ اطلاع اقدام به شکایت کیفری نماید، علی رغم اینکه مرور زمان یک ساله طرح شکایت کیفری را رعایت نموده است، اما جرم مذکور مشمول مرور زمان سه سال تعقیب شده است.

۲-۲-۳. مشارکت فعال بزه‌دیده در فرآیند دادرسی

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که با هدف کاهش تعداد زندانیان و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس تدوین شده است، تأثیرات مهمی بر تعامل میان بزه‌دیده و سیستم قضایی داشته است. یکی از آثار توسعه جرایم قابل گذشت در این قانون، افزایش مشارکت فعال بزه‌دیده (متضرر از جرم) در فرآیند دادرسی است. این مشارکت در نتیجه گسترش جرایم قابل گذشت، اهمیت بیشتری پیدا کرده و بزه‌دیده نقشی محوری در سرنوشت دادرسی کیفری و تعیین سرنوشت مجرم ایفا می‌کند.

ارتکاب جرم علیه یک شخص، علاوه بر آنکه آسیب‌های متعدد جسمانی، مالی، روانی و عاطفی برای بزه‌دیده به بار می‌آورد، از یک سو او را در پیچ و خم‌های مختلف مراکز پزشکی، پلیسی و قضایی قرار می‌دهد و از سوی دیگر با مداخله‌گران متعدد و پرونده‌های گوناگون، اعم از کیفری، حقوقی، اداری و غیره مواجه می‌سازد. این در حالی است که وی به خاطر آسیب‌های وارد آمده، دیگر از توان مادی و روانی سابق برخوردار نیست. بر این اساس، پی‌ریزی حقوق بزه‌دیدگان در فرآیند دادرسی کیفری، در کنار شناخت مشکلات و نیازهای ایشان، باید بر شالوده محکمی استوار گردد. بی‌تردید، حفظ کرامت و ارزش والای انسانی به عنوان یکی از حقوق بنیادین برابر و انتقال‌ناپذیر بشر، مبنایی استوار در این سازماندهی است (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰، ص ۳).

سال‌های متمادی، رویکرد حمایت از متهم و حقوق وی به دلیل رویارویی یک نهاد قدرتمند (دادسرا) در مقابل متهم بی‌دفاع، تمام توجهات را به توسعه حقوق وی و حمایت از آن معطوف نمود. در این میان، نقش بزه‌دیده در پیشبرد فرآیند تحقیقات مقدماتی مورد کم‌توجهی قرار گرفته و جایگاه وی را در موضع انفعال قرار داده بود. با رویش رویکرد بزه‌دیده‌مدار، نقش قربانی جرم و حقوق وی مورد توجه دست‌اندرکاران برخی از سامانه‌های عدالت کیفری قرار گرفت. بر این اساس، در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، حقوق بزه‌دیده و جلوه‌های آن بر پایه موازین حقوق بشری تحولات مهمی داشته و توجه و حمایت از او از نقطه آغازین فرآیند کیفری مورد نظر قانون‌گذار قرار گرفته است که در رأس آن حق امنیت و حفظ هویت اوست (اختری و موذن‌زادگان، ۱۳۹۸، ص ۴۱).

در سیاست کیفری ایران در قلمرو جرایم تعزیری، نقش بزه‌دیده در مرحله شروع و پیگیری تعقیب کیفری زیاد است، در حالی که در مرحله صدور حکم، نقش کم‌رنگ‌تر دارد (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۲، ص ۵). در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری، قانون‌گذار با پیش‌بینی معیارهای مختلف، دامنه جرایم قابل گذشت را بیشتر از هر زمانی گسترش داده است. این اقدام قانون‌گذار، با توجه به جایگاه بزه‌دیده در جرایم قابل گذشت که شروع و توقف

دادرسی وابسته به اراده او می‌باشد، نشان‌دهنده توجه هرچه بیشتر قانون‌گذار به جایگاه بزه‌دیده و اعطای نقش فعال به وی در نظام دادرسی است و این امر به عنوان یکی از دستاوردهای مهم قانون کاهش محسوب می‌شود (فتیلی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۸۹-۲۹۰).

یکی از آثار مهم مشارکت فعال بزه‌دیده در فرآیند دادرسی، افزایش حس عدالت و رضایت بزه‌دیده است. در جرایم قابل گذشت، بزه‌دیده می‌تواند احساس کند که حق و نظر او در روند دادرسی به‌طور مستقیم مد نظر قرار گرفته و تأثیرگذار است. این احساس مشارکت و کنترل بر روند قضایی، می‌تواند به ترمیم آسیب‌های روانی بزه‌دیده و افزایش رضایت او از سیستم عدالت کیفری منجر شود. بزه‌دیده با گذشت از مجرم یا توافق بر جبران خسارت، احساس می‌کند که نقش فعالی در حل و فصل قضیه داشته و این امر به او احساس قدرت و عدالت بیشتری می‌بخشد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل مبانی جرم‌شناختی توسعه جرایم قابل گذشت نشان می‌دهد که این نهاد حقوقی صرفاً یک ابزار تقنینی نیست، بلکه ریشه در تحولات بنیادین آموزه‌های جرم‌شناسی نوین دارد. رویکرد جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و نقد برجسب‌زنی کیفری آشکار می‌سازد که واکنش رسمی نظام کیفری می‌تواند خود به عاملی در تداوم رفتار مجرمانه و تثبیت هویت مجرمانه تبدیل شود؛ از این رو، امکان گذشت شاکی و محدودسازی مداخله کیفری در برخی جرایم، راهکاری برای کاهش پیامدهای منفی اجتماعی و روانی برجسب‌زنی محسوب می‌شود. در همین راستا، جرم‌شناسی صلح‌طلب و عدالت ترمیمی با تمرکز بر ترمیم آسیب، بازسازی روابط اجتماعی و مشارکت فعال بزه‌دیده، چارچوبی نظری فراهم می‌آورد که در آن جرایم قابل گذشت به عنوان سازوکاری برای تحقق صلح اجتماعی و حل و فصل تعارضات کیفری خارج از منطق تنبیه صرف قابل تحلیل است. همچنین جرم‌شناسی محکومان و انسان‌محوری در پاسخ کیفری، با تأکید بر توجه به وضعیت فردی بزه‌کار و هدف‌گذاری اصلاح و بازپذیری اجتماعی، توسعه جرایم قابل گذشت را در راستای کرامت انسانی و تناسب پاسخ کیفری توجیه می‌کند.

از منظر آثار حقوقی، توسعه جرایم قابل گذشت تأثیرات قابل توجهی بر حقوق کیفری ایران بر جای گذاشته است. در حوزه حقوق کیفری ماهوی، این توسعه به انعطاف‌پذیری بیشتر نظام مجازات‌ها انجامیده و در قالب نهادهایی مانند تنصیف و تبدیل مجازات، بازتعریف احکام معاونت و شروع به جرم، گذشت مبتنی بر شرایط سنی بزه‌کار و اعطای نقش مؤثر به شاکی در تعیین نوع و میزان مجازات نمود یافته است؛ امری که از حرکت تدریجی به سوی خصوصی‌سازی نسبی عدالت کیفری حکایت دارد. در بعد شکلی نیز، تغییر در قواعد صلاحیت،

تأثیرگذاری بر مرور زمان و تقویت مشارکت فعال بزه‌دیده در فرآیند دادرسی، نشان‌دهنده تحول در ساختار و کارکرد دادرسی کیفری متناسب با منطق جرایم قابل گذشت است. در مجموع، یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که توسعه جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری ایران، جلوه‌ای از گذار تدریجی سیاست کیفری از رویکردی سخت‌گیرانه به رویکردی انعطاف‌پذیر، انسان‌محور و ترمیمی است. با این حال، تحقق کارآمد این نهاد مستلزم تبیین دقیق حدود و ضوابط آن، ایجاد توازن میان منافع عمومی و خصوصی و پرهیز از تعارض با اصول بنیادین عدالت کیفری است؛ امری که می‌تواند زمینه‌ساز انسجام بیشتر سیاست کیفری و ارتقای کارکردهای اصلاحی و اجتماعی حقوق کیفری ایران باشد.

منابع

- آشوری، محمد، و خدادی، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۸(۲)، ۳-۳۶.
- https://cld.razavi.ac.ir/article_833.html
- احمدزاده، رسول، و تام، مجتبی. (۱۳۹۹). *ملاحظات دربارہ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (چاپ دوم)*. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- اختری، عباس، و موذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۸). جایگاه حقوق بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران. *پژوهش حقوق کیفری*، ۷(۲۶)، ۴۱-۷۳.
- https://jclr.atu.ac.ir/article_9617.html
- ارل، رود. (۱۳۹۷). *افق‌های نوین در جرم‌شناسی محکومان* (چاپ اول؛ فرهاد شاهیده، به کوشش). بنیاد حقوقی میزان.
- شهبازی، امید، و باوی، حسن. (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان* (چاپ اول)، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- دکسردی، والتر اس. (۱۴۰۲). *جرم‌شناسی انتقادی معاصر* (چاپ چهارم؛ مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش ناری، مترجمان). انتشارات دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۴۰۱). *کلیات جرم‌شناسی: محتوا و تحول، از دیروز تا امروز* (چاپ اول). نشر نگاه معاصر.
- رحمانی فرد، محسن. (۱۳۹۹). نقدی بر ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری. *فصلنامه علمی تخصصی آرا*، ۳(۴)، ۱۳۱-۱۴۲.
- https://ara.adlesfahan.ir/article_243282.html
- رستمی تبریزی، لمیاء، و محتشمی، ندا. (۱۳۹۲). نظریه تعامل‌گرایی و تحلیل انتقادی آن. *مطالعات حقوقی*، ۵(۲)، ۵۹-۱۰۳.
- https://jls.shirazu.ac.ir/article_1807.html
- رستمی، یعقوب، کاظمی، یعقوب، و نصرتی، یزدان. (۱۴۰۳). کارکردهای قضازدایی متأثر از آموزه‌های جرم‌شناسی در پویاسازی نظام عدالت کیفری با محوریت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹. *پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس*، ۵(۱۴)، ۹۳-۱۱۱.
- http://cr.jrl.police.ir/article_102810.html
- رستمی، هادی، و موسوی، سید پوریا. (۱۳۹۹). *مصالح عالیہ کودکان و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر پاسخ‌های تعزیر مدار. حقوقی دادگستری*، ۸۴(۱۱۲)، ۱۵۷-۱۷۷.
- https://www.jlj.ir/article_40314.html
- رهایی، سعید. (۱۳۹۳). *مصالح عالیہ کودک*. در مجموعه مقالات حقوق کودک (مطالعه تطبیقی در اسلام و اسناد بین‌الملل) دانشگاه مفید.

- زینالی، امیرحمزه، و مقدسی، محمدباقر. (۱۳۹۲). رویکرد تطبیقی به نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرآیند کیفری. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۰(۵)، ۱۸۱-۲۱۰.
https://cld.razavi.ac.ir/article_754.html
- صفاری، علی. (۱۴۰۱). کیفرشناسی (چاپ سی و هشتم). انتشارات جنگل.
- صفاری، علی، و صابری، رضیه. (۱۳۹۸). جرم‌شناسی صلح‌طلب: رویکرد آن به جرم و راهکارهای مقابله با جرم. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۴(۵۳)، ۱۴۹-۱۶۶.
http://cps.jrl.police.ir/article_93544.html
- طهماسبی، جواد. (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری* (چاپ اول؛ ج ۳). بنیاد حقوقی میزان.
- عابدی، احمدرضا. (۱۳۹۹). *نگرشی کاربردی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری* (چاپ دوم). انتشارات طه.
- عزیزی، علی، و فولادگر، فریبا. (۱۳۹۶). دادگاه‌های حل مسأله و جلوه‌های ترمیمی آن. در محمد فرجیها (ویراستار)، *دانش‌نامه عدالت ترمیمی* (مجموعه مقالات همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم) بنیاد حقوقی میزان.
- فتیلی، صادق، قدیری بهرام آبادی، رشید، صادق نژاد نائینی، مجید و نقدی دورباطی، مریم. (۱۴۰۰). توسعه جرائم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری: بررسی کاربردی چالش‌ها و دستاوردها. *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۹(۱۸)، ۲۸۱-۳۰۲.
https://jclc.sdil.ac.ir/article_139004.html
- فروتن، رضا، و امام، سید محمدرضا. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی اصل فردی کردن مجازات‌ها در فقه جزایی اسلام و حقوق ایران با نگاهی به تحولات قانون مجازات اسلامی. *فقه جزای تطبیقی*، ۱(۱)، ۶۷-۸۲.
https://www.jccj.ir/article_148190.html
- فرهنگد، مجتبی، و گرامی، حسین. (۱۴۰۲). *شرح ماده به ماده قانون کاهش مجازات حبس تعزیری* (چاپ نهم). انتشارات گنج دانش.
- کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۳). *جرم‌شناسی* (طرح مباحث نوین در دانش جرم‌شناسی) (چاپ دوم). شرکت سهامی انتشار.
- کلانتری، کیومرث، و ابراهیمی، نصیبه. (۱۴۰۱). *حبس‌زدایی و مصادیق آن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹*. در *حقوق کیفری پویا: مجموعه مقاله‌ها در پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی*. بنیاد حقوقی میزان.
- کوشکی، غلامحسین. (۱۴۰۱). *آیین دادرسی کیفری* (جلد اول، چاپ دوم). جهاد دانشگاهی.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۹۷). *مبانی جرم‌شناسی* (جلد اول، چاپ هجدهم). دانشگاه تهران.
- میرزایی یزدی، زهرا، و موسوی، سید اسماعیل. (۱۳۹۹). تأثیر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی. *قانون یار*، ۴(۱۶)، ۲۵۵-۲۸۶.
<https://sid.ir/paper/526087/fa>

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۷). درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و گونه‌های آن. در *دانشنامه جرم‌شناسی محکومان*. بنیاد حقوقی میزان.
- وروایی، اکبر، و شکری، جهان‌شاه. (۱۴۰۰). *عدالت ترمیمی در ایران* (چاپ اول). انتشارات خرسندی.
- Russell, C. (2015). *Alternatives to Prison: Rehabilitation and Other Programs*. Mason Crest.